

بک آزمون نتیجه بخش

بقلم : رابرت موریس پیج

ROBERT MORRIS PAGE

فیزیکی‌دان

لیسانس در علوم از دانشگاه هیلین ، فوق
لیانس از دانشگاه واشینگتن ، دکتر علوم انحصاری از
دانشگاه هیلین ، از ۱۹۲۷ در آزمایشگاه پژوهشهای
دریائی واشینگتن مشغول کار است . در ۱۹۳۴ نخستین
دادار نوسانی رادرجهان برای اکتشافات هوا پیمایا
تکمیل کرد ، بدریافت جایزه ممتاز اداره دریانوردی
کشوری امریکا و شهادت نامه شایستگی جمهوری و
جایزه هری دایاموند و نشان بنگاه فرانکلین موفق شد .
۳۷ اختراع ثبت شده دارد که بیشتر آنها در رادار است
مقالات و سخنرانیهای فنی متعدد دارد . اکنون معاون
قسمت الکترونیک آزمایشگاه پژوهش اداره دریانوردی
ایالات متحده است . متخصص در اسبابهای دقیق الکترونی
و گرداندن دستگاههای تحقیق و پژوهش علمی است .

آزمون صحت بک نظریه آنست که اوضاع واحوال مساعد با آنرا فراهم
آوریم تا معلوم شود که اگر آن نظریه صحیح بوده است نتایج بیش بینی شده
حاصل و مشهود شود . باین ترتیب برای آزمون هر نظریه لا اقل سه امر باید
صورت گیرد : ۱ - اوضاع واحوال خاص فراهم شود ؛ ۲ - تا نتایج پیشگویی

شده بدست آید، ۳- و معلوم شود که آن نظریه صحیح بوده است. دو قسمت اول چیزهایی است که همه بدون بحث و استدلال آنرا پذیرفته اند، ولی قسمت سوم مطلب حساستر و دقیقتری است که اغلب متوجه این نیستند که عامل اساسی در آزمون هر نظریه همان است.

در آن هنگام که کشتیها را با چوب میساختند، اعتقاد عمومی بر آن بود که کشتی برای آنکه بتواند روی آب بماند، لازم است که از ماده بی سبکتر از آب ساخته شود. روزی این قضیه مطرح شد که ممکن است کشتی آهنی باشد و باز هم بر روی آب بماند. آهنگری مدعی شد که کشتی آهنی نمیتواند روی آب بماند، و برای اثبات گفته خود قفل پاره بی را بر روی آب طشتی گذاشت که البته در آن فرورفت.

این که فرض میکرد نظریه ساخته شدن کشتی با آهن نادرست است راه را برای بست و امکان طرح نقشه کشتی را بصورتی که با نظریه ممکن بودن کشتی آهنی سازگار باشد، از او سلب کرد. اگر وی بصحت فرض ساخته شدن کشتی با آهن معتقد بود، بجای آنکه قفل پاره بی را بر روی آب بگذارد کاسه بی آهنین را بر آن میگذاشت و البته مانند کشتی چوبی بر روی آب باقی میماند.

پاره بی اوقات آزمون و محاکم زدن يك نظریه محتاج فراهم آوردن وسائل مشاهدهئی است که برای افراد خصوصی امکان دست یافتن بر آنها نیست. مثلاً فرض کنید شخصی باشد که مشاهدات و ملاحظیات و میدان دید او منحصر بسطح اقیانوس باشد. چنین شخصی نمیتواند آنچه را بر بالای سطح آب یا زیر آن صورت میگیرد مشاهده کند و تنها از چیزهایی که بر سطح آب

شناور است آگاهی دارد کشتیهای بزرگ و کوچک و تکه تکه های شناور آب و مرغانی که بر روی آن قرار گرفته اند، همه برای چنین شخص ناظری قابل رؤیت و مشاهد است. مرغان و هواپیماهایی که در جو پرواز میکنند، و نیز ماهیان و زیر دریاییهای باینتر از سطح آب، تا آنجا که بچنین شخص بیننده ای ارتباط پیدا میکند، بدان میماند که اصلا وجود ندارند. زیر دریایی که از زیر آب ناگهان بسطح میآید یا مرغی که از هوا خود را با آب بزند، در نظری هم چون چیزهایی هستند که از عدم بوجود آمده اند، و چون عمل عکس اتفاق افتد، مثل آنست که وجودی بعدم تبدیل شده است. برای چنین شخصی دسته بزرگی از نمودها که امایش خوب قابل فهم است، و آن نمودهایی است که مربوط باجسام شناور بر سطح آب باشد، ولی بعضی نمودها را که بصورت پیش بینی نشده و ناگهانی آشکار میشوند، وی نمیتواند تفسیر و توضیح کند، که از آن جمله است با آب افتادن مرغی از هوا یا بر خاستن مرغی که تا لحظه می پیش بر آب نشسته بود و اکنون به هوا بریده است.

اکنون فرض کنید که این شخص ناظر با ناظر دیگری ملاقات کند که می تواند آنچه را در بالای آب یعنی در هوا می گذرد، و نیز آنچه را مربوط بزیر آب است، مشاهده کند و در عین حال هواپیماها و زیر دریایی ها را در آب بیند اگر ارتباطی میان این دو شخص برقرار شود بسیاری از نمودها که پیشتر مشاهده میشد ولی غیر قابل توضیح می ماند اکنون قابل فهم و بیان خواهد شد.

با وجود این برای ناظر نخستین که تنها سطح آب را میتواند

مشاهده کند، مفهوم اساسی غوطه خوردن در زیر آب و پرواز کردن بالای آن بسیار دشوار است و بسختی می تواند آن را بپذیرد، طبع وی چنان مایل است که سخنان طرف خود را در مورد این مفاهیم جدید قبول نکند؛ مگر اینکه صحت آنها از راهی بروی اثبات شود در این کار دشواری است يك کار که طرف وی میتواند بکند و درستی گفته های خود را بناظر سطح آب اثبات نماید، اینست که با ملاحظه بالای آب و زیر آب و حوادثی که پس از زمان مکالمه وی با ناظر سطحی ممکن است بر سطح آب اتفاق بیفتد، پیشگویی کند. مثلاً ممکن است او ببیند که مرغی در حال شیرجه رفتن به میان آب برای گرفتن ماهی است، در این صورت ممکن است بناظر دیگر بگوید که هم اکنون نقطه بی در سطح آب ناگهانی شکافته خواهد شد و مرغی از آنجا خواهد گذشت، و سپس مرغ که دوباره از همان حدود نقطه شکافته شدن خارج میشود، ماهی بی منتقار داشته باشد. چون این پیشگویی عملی شود، ناظر سطحی، لااقل دلیل در دست دارد که آن کس که بوی اطلاعاتی داده از آنچه میگوید باخبر است و حقیقت میگوید.

پس از بیان این مقدمه کوتاه بمسأله وجود خدا باز میگردیم، و آن را همان گونه که بعضی میکنند، بعنوان فرض میپذیریم. چون توجه خود را با مرآه آزمون آن فرض معطوف داریم، این مطالب بنظر ما میرسد:

نخست آنکه برای آنکه آزمون از زنده بی صورت گیرد، باید چنین فرض کنیم (لااقل برای زمان حاضر) که این فرضیه صحت دارد خواه بآن باور داشته باشیم یا نه، این پذیرفتن صحت بمنظور آزمون لازم است

اگر جز این باشد، انجام آزمون ارزنده بی از عهد ما خارج است. ^{بند اول} دوم اینکه چون قدرت مشاهده ما محدود و بقسوت کوچکی از حقیقت و واقعیت است، باید خود را حاضر کنیم که شهادت دیگران را بپذیریم فرضیه اینکه خدا وجود دارد، مشتمل بر اوضاع و احوال خاص وابسته بوجود خداست که آزمون آنها خارج از کارهای علم است گواهی الهامی بعضی از مردم اینست که خدا روح است (۱) و باین ترتیب از زمره آن دسته از واقعیتها است که کاملاً در حیطه جهان مادی قرار نمیگیرند، و همان گونه که میدانیم این قبیل امور از حوزه مکان سه بعدی و تبعیت قوانین زمان بیرون است باید خود را حاضر بقبول این مطلب کنیم که جهان مادی ما که همه در ابعاد زمان و مکان محصور است، ممکن است تنها جزء کوچکی از حقیقت و واقعیت باشد، همانگونه که سطح دریا تنها جزء کوچکی از همه فضائست که آنرا میشناسیم.

سوم اینکه، با فرض وجود خدا، باید خود را آماده پذیرفتن این مطلب کنیم که خدا میتواند بما معرفتی در باره واقعیت الهام کند که ما در ای جهان مادی ما باشد. آزمونهایی بصورتی که در فوق ذکر شد، توسط بسیار کسان و از جمله مؤلف صورت گرفته است مؤلف در کتاب مقدس مقدار کثیری اطلاعات درباره جهان روحانی یافته است این اطلاعات بوسیله عوامل انسانی وارد کتاب مقدس شده، یعنی بوسیله مردمی که باور داشته اند آنچه را میدانسته و نوشته اند صحت داشته است صحت و اعتبار نوشته های آن مردم، با آنکه خود ایشان بشر بوده اند، از اینجا معلوم میشود که از

۱- مقصود روح اصطلاحی نیست بلکه مقصود آن است که خدا مجرد است نه

حوادث مهم آینده دور پیشگویی کرده اند و چنین اطلاعی تنها از علم و معرفتی ساخته است که تابع قوانین زمان بدانگونه که آنها را می شناسیم نیست، پیشگویی از حوادث آینده تنها شاهد و ملاک نیست، بلکه آنرا بعنوان نمونه از يك دسته مدارك و اسناد ذکر کردیم، که معرف صحت و اعتبار شهادتی است که خبر دهندگان بما، یعنی نویسندگان بما یعنی نویسندگان کتاب مقدس در نوشته های خود داده اند.

یکی از بزرگترین گواهی ها عده زیادی پیشگویی ها در باره آمدن عیسی مسیح است که چهارصد سال پیش از آمدن مسیح شده در ضمن آنها مقدار فراوانی جزئیات است هر بوط بخود مسیح و کارهایی که پس از آمدن خواهد کرد و این از اموری است که برای جهان طبیعی و جهان عامی تا با امروز کاملاً غیر قابل توضیح مانده است پیدایش تاریخی مسیح بهمانگونه که پیشگویی شده بود و بانجام رسیدن تمام کاربان صورت که از پیش خبر داده بودند، باندازه بی با تاریخ اثبات شده که تنها کم معرفتان در آن شك میکنند، و این خود نه تنها صحت و اعتبار پیشگوییها را تأیید میکند، بلکه بر آن زندگی و وضوح تعلیمات مسیح نیز گواه است (۱).

باقتن دلیل قاطع بر صحت فرضیه اصلی ما امری شخصی و خصوصی است و تنها از آزمایش شخصی و فردی سرچشمه میگردد. که بلكه تمام کسانی که در آنها همه

۱ - مؤلف چون مسیحی است پیشگوییهای کتاب مقدس بر وجود عالم روحانی و صحت تعلیمات مسیح استناد میکند، و البته در تمام ادیان آسمانی پیشگوییهای مطابق با واقعی شده است. مکتب تشیع

لوازم و متعلقات فرضیه همان گونه که ازخبر دهنده بما بدست آمده در حساب منظور شود ، آنوقت می تواند بخوبی مشاهده کند که آیا همه نتایج پیشگویی شده عملاً حاصل شده است یا نه .

چون کسی ارتباطی را که ممکن است و باید میان آدمی و خدا موجود باشد مورد مطالعه قرار دهد ، و نیز در شرائطی تحقیق کند که آدمی باید انجام دهد تا این ارتباطات برقرار شود . و بجد از تمام قلب بانجام این شرائط برخیزد ، ارتباط با خدا چنان تأثیر عمیقی در زندگی او میگذارد که دیگر جای هیچ گونه شکی در ذهن او باقی نمیماند در آن زمان خدا بصورت واقعیت شخص درمیآید و این واقعیت چنان نزدیک بجان آدمی و عظیم است که ایمان بخدا را بصورت علم و معرفت مثبت در میآورد .

پایان

مصلی بهار...
 رحمته ربانی...
 رحمتی...
 کلاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی
 در سیاه از پیش...
 آیة الله: حاج میرزا خلیل گهری